

موازنه‌ی قوا، موازنه‌ی تهدید، موازنه‌ی منافع و نظریه‌ی هژمونی اشاره کرد. موازنه‌ی قوا که توسط افرادی چون والتز مطرح شده است، ناظر بر این نکته‌ی مهم بیان می‌شود که کشورها باهدف ممانعت از شکل‌گیری جنگ و آسیب دیدن امنیت ملی به سمت شکل‌دهی به یک ائتلاف می‌روند تا در برابر کشوری که در منطقه موردنظر قدرتمند شده، و به‌احتمال سلطه‌ی آن می‌رود، بایستند و با آن مقابله کنند. (Ray, 1998, p. 353)

به دیگر سخن از نظر نواقح گرایانه، دولت‌ها زمانی دست به تشکیل ائتلاف می‌زنند که موازنه در مقابل تهدید را ضروری احساس کنند، اما ایجاد هر اتحاد یا هم‌گرایی به درجه‌ی انسجام و قدرت آن، از آزادی عمل کشورهای عضو ائتلاف می‌کاهد و هزینه‌هایی را بر آن‌ها تحمیل می‌کند. (Gelpi, 1999, p. 107) نظریه‌ی موازنه تهدید را افرادی چون، والت مطرح می‌کنند و به نظر آن‌ها کشورهای حاضر در یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی، باهدف ایجاد با موازنه بر ضد تهدیدهایی که نسبت به آن‌ها احساس خطر می‌کنند، دست به تشکیل ائتلاف می‌زنند. جدا از دو نظریه‌ی بالا یکی از اندیشمندان دانش روابط بین‌الملل یعنی «اشولر» با انتقاد از نظریه‌ی موازنه‌ی قوا و موازنه‌ی تهدید، نظریه‌ی دیگری با عنوان نظریه‌ی موازنه منافع را مطرح می‌کند. براساس این نظریه عامل مهم برای شکل‌دهی به یک ائتلاف، سازگاری اهداف سیاسی و منافع است؛ و این مسیر با بی‌توازی قدرت یا تهدید طی نمی‌شود. (Waltz, 1979, p. 91-97)

در کنار نظریه‌هایی که مورد اشاره قرار گرفت، نظریه‌ی دیگری نیز وجود دارد که برای اولین بار «جوزف نای» به آن اشاره کرد. این نظریه‌ی که هژمونی نام دارد، ناظر بر این است که کشورهای یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی در صورت موفق به شکل‌دهی به یک ائتلاف می‌شوند، که یک کشور قدرتمند و مؤثر آن‌ها را به این سمت سوق دهد. (Brilmayer, 1994, p. 24) براساس این نظریه کشور قدرتمند در مسیر شکل‌دهی به ائتلاف نظامی، باید از قدرت اقتصادی مناسب و ابزار کافی در این زمینه مثل منابع عمده‌ی اقتصادی، مواد خام، منابع سرمایه، بازار و برتری بی‌رقیب در تولید کالاهایی که ارزش بسیار بالایی دارند، برخوردار باشد. هم‌چنین